

تاریخ فرهنگ آذربایجان

(با فوائد ادبی)

به قلم

محمد علی صفوت

به کوشش

رحیم نیکبخت میر کوهی





به مناسبت

همایش ملی

آذربایجان مشروطه

از کهن شهر مرآت تا دار السلطنه تبریز

مردادماه ۱۳۹۴ - تهران و تبریز



وزارت فرهنگ و ارث ملی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
بزرگسنگه استاد

مهر آزادی



اداره ملی فرهنگ و ارث اسلامی
مجلس آذربایجان شرقی



مجلس آذربایجان شرقی

به مناسبت برگزاری

همایش ملی مشروطه آذربایجان

از کهن شهر مراغه تا دارالسلطنه تبریز

با حمایت دکتر جلال جلال شکوهی

تهران: ۱۴ مرداد ماه ۱۳۹۴، پژوهشکده اسناد کتابخانه ملی

تبریز: ۲۱ مرداد ماه ۱۳۹۴، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان شرقی



اسناد و کتابخانه ملی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
پژوهشکده اسناد



اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی
استان آذربایجان شرقی



عمارت دل من کن وگرنه با گل و خشت

هزار مدرسه آباد می توان کردن

بنائی

(ان فی قصصهم لعلبة لا ولی الالباب)

تاریخ فرهنگ آذربایجان

(با فوائد ادبی)

به قلم

محمدعلی صفوت

به کوشش

رحیم نیکبخت

انتشارات منشور سمیر

تهران - ۱۳۹۴

سرشناسه : نیکبخت میرکوهی، رحیم، ۱۳۵۰،
 عنوان و نام پدیدآور : تاریخ فرهنگ آذربایجان، تألیف: محمدعلی صفوت خویی، به کوشش رحیم
 نیکبخت میرکوهی
 مشخصات نشر : تهران و تبریز، منشور سمیر و دیار کهن و دیگران، ۱۳۹۴
 مشخصات ظاهری : ۶۲ ص؛
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۰۹-۴۰-۱
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 موضوع : تاریخ معاصر -- قرن ۱۴
 موضوع : تاریخ فرهنگ آذربایجان -- ایران -- قرن ۱۴
 شناسه افزوده : نیکبخت، رحیم، ۱۳۵۰، تدوین
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۲PIR۷۱۹۵/۹ : ۸
 رده‌بندی دیویی : ۸۱/۶۱ : ۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۳۹۶۶۸



تاریخ فرهنگ آذربایجان

تألیف: محمد علی صفوت

به کوشش: رحیم نیکبخت

از: مجموعه آثار همایش مشروطه آذربایجان

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴

شمارگان: ۲۰۰

بهای دوره ۱۲ جلدی: ۳۰۰۰۰۰۰ ریال

به مناسبت همایش ملی مشروطه آذربایجان

(به سفارش و حمایت دکتر جلال جلال شکوهی)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۰۹-۴۰-۱

مرکز پخش: تهران، خ جمالزاده جنوبی، کوچه رشتچی، پ ۱۳، واحد ۴

تلفن: ۰۲۱۶۶۹۴۶۶۵۶ و ۰۲۱۶۶۹۴۱۷۳۳

فهرست

۱۷.....	یادداشت دبیر مجموعه.....
۲۹.....	مقدمه.....
۳۳.....	حاج میرزا حسن رشديه.....
۳۵.....	نمونه خدمات و زحمات رشديه.....
۴۲.....	روز چهلم رشديه.....
۴۳.....	مدارس قبل از مشروطيت.....
۴۳.....	مدرسه مظفری.....
۴۵.....	مدرسه لقمانيه.....
۴۷.....	دبستان ارک.....
۴۸.....	مجمع التدريس.....

دبستان کمال.....	۴۸
دبستان معرفت.....	۴۸
دبستان ثریا.....	۴۸
دبیرستان سعادت.....	۴۸
دبستان جلالت.....	۴۹
شعبه رشديه.....	۵۰
دبستان پرورش.....	۵۰
باز هم پرورش.....	۵۰
دبستان قدسیه.....	۵۰
دبستان فخریه.....	۵۰
دبستان فردوس.....	۵۱
دبیرستان افتخار.....	۵۱
دبستان صبا.....	۵۱
مدرسه مموریال آمریکائی.....	۵۵
هیئت پیش‌قدمان فرهنگ پیش از مشروطیت.....	۵۶
فرهنگ پس از مشروطیت.....	۵۷
اسامی مؤسسان دبستان.....	۵۸
دبستان حیات.....	۵۸
اسامی مؤسسان دبستان حیات.....	۵۹

- ۵۹..... نهضت فرهنگی تبریز.....
- ۶۰..... حاج اسدالله و حاج الله‌وردی.....
- ۶۰..... دبیرستان فیوضات.....
- ۶۱..... دبیرستان حکمت.....
- ۶۲..... دبیرستان رشديه.....
- ۶۲..... دبیرستان تمدن.....
- ۶۳..... دبیرستان سعدی.....
- ۶۳..... دبیرستان نجات.....
- ۶۳..... چند تذکار لازم.....
- ۶۵..... مدارس ملی و دولتی ولایات آذربایجان.....
- ۶۵..... خلخال.....
- ۶۶..... شاهین‌در.....
- ۶۹..... خلاصه گزارش‌های کتبی به فرهنگ.....
- ۷۰..... دبستان محمدیه.....
- ۷۰..... دبستان زره‌شوران.....
- ۷۱..... ارونق و انزاب.....
- ۷۴..... دبستان دخترانه شبستر.....
- ۷۴..... خامنه.....
- ۷۴..... تسوج.....

۷۴.....	شرفخانه
۷۵.....	مراغه و توابع
۷۵.....	دبیرستان خواجه نصیر
۷۵.....	دبستان فردوسی
۷۵.....	دبستان اوحدی
۷۵.....	دبستان بدر
۷۶.....	قصه بناب
۷۶.....	ملک کندی
۷۶.....	دبستان هدایت
۷۶.....	عجبشیر
۷۶.....	دبستان رازی
۷۶.....	آذرشهر و توابع
۷۷.....	گاوگان
۷۷.....	مامقان
۷۷.....	خاطره [ای] از آذرشهر
۷۸.....	اردبیل و توابع
۷۸.....	دبستان نصریه
۷۸.....	مدرسه نشر معارف
۷۸.....	دبستان جعفریه

دبستان شرافت.....	۷۹
دبستان رشديه.....	۷۹
دبستان احمديه.....	۷۹
شاهد موضوع از فرهنگ.....	۸۰
مدارس ملی اردبیل.....	۸۲
دبیرستان تدین.....	۸۲
دبستان حکمت.....	۸۲
دبستان‌های نواحی اردبیل.....	۸۲
گرمی.....	۸۲
دبستان انگوت.....	۸۳
دبستان بیله‌سوار.....	۸۳
آستارا.....	۸۳
زحمتکشان اولیه معارف آستارا.....	۸۳
سه باب دبستان دولتی.....	۸۳
سال ۱۳۰۴ شمسی.....	۸۴
دبستان سعدی.....	۸۴
بازرسی فرهنگ آستارا.....	۸۴
نمین.....	۸۵
دبستان دخترانه.....	۸۵

- ۸۶.....مشگین شهر (خیاو)
- ۸۶.....اهر (قرجه داغ)
- ۸۶.....دبستان همت
- ۸۶.....دبستان شمس
- ۸۷.....دبستان فردوسی ملی
- ۸۷.....دبستان ورزقان
- ۸۷.....مرند و توابع
- ۸۷.....دبستان دیزج
- ۸۷.....دبستان علمدار
- ۸۷.....دبستان گرگر
- ۸۸.....جلفا
- ۸۸.....میانج
- ۸۸.....سراب
- ۸۹.....انجمن ایالتی و فرهنگ
- ۹۹.....ولیعهد در مدرسه
- ۱۰۰.....قصیده انوری ترجمه و تفسیر آشوب [ادیب خلوت]
- ۱۱۸.....سال ۱۳۳۶ قمری
- ۱۱۹.....در سال مزبور فوق
- ۱۲۱.....سال ۱۳۱۲ شمسی

شورای هدایت.....	۱۲۲
دولت فرانسه و فرهنگ.....	۱۲۲
فرانسوی‌ها حمایت کردند:.....	۱۲۳
امتحانات در اوایل تأسیس و توسعه فرهنگ:.....	۱۲۴
شادروان محمدعلی تربیت.....	۱۲۴
دبستان دوشیزگان.....	۱۲۷
مدرسه تجارت.....	۱۲۷
خدمت برجسته تربیت.....	۱۳۷
آقای ابوالقاسم فیوضات.....	۱۳۸
منع از اتلاف عواید فرهنگ.....	۱۴۱
این هم فضیلت است.....	۱۴۲
اقتباس می‌شود.....	۱۴۲
ابتکارات فیوضات.....	۱۴۳
باغچه اطفال یا مدرسه کودکان:.....	۱۴۴
کتاب الفبا.....	۱۴۴
شادروان دکتر احمد محسنی.....	۱۴۶
خانم فرانسوی.....	۱۴۷
دنباله حکایت.....	۱۵۰
مقدمه تبعد.....	۱۵۱

۱۵۳	مشهودات خود:
۱۵۷	نامه دوستانه:
۱۶۰	لباس متحدالشکل:
۱۶۱	دیسپلین:
۱۶۱	دارالمعلمین:
۱۶۳	انضباط:
۱۶۵	از سخنان دکتر محسنی:
۱۶۶	جمع و تفریق در تمام شئون حیات:
۱۶۷	یادآوری یا پاداش خدمت:
۱۶۷	آقای احمد سعیدی:
۱۷۰	دانشسرا موقع ورود ارتش متفقین:
۱۷۰	دانشسرا موقع حزب‌بازی طاغیان:
۱۷۱	حوادث حیرت‌زا و عبرت‌افزا در فرهنگ:
۱۷۲	آیا حیرت‌زا نیست؟:
۱۷۲	فرهنگ است یا میدان جنگ:
۱۷۵	آقای رضا فهیمی:
۱۷۵	کلاس‌های شبانه:
۱۷۷	برنوآموزان:
۱۷۷	رفع حجاب:

دانشسرای مقدماتی پسران.....	۱۷۸
تصادف حیرت‌انگیز.....	۱۸۱
حل معضل.....	۱۸۲
اعطاء نشان علمی.....	۱۸۳
تاریخ آغاز بنای دانشسرا.....	۱۸۳
مهماندار بودم یا بختیار.....	۱۸۴
گوشه‌ای از تاریخ معاصر و فرهنگ.....	۱۸۴
درس یکم.....	۱۸۷
در زمان مأموریت آقای فهیمی.....	۱۹۰
عمارت دبیرستان صفوی اردبیل.....	۱۹۲
نقل اموال عتیقه شیخ به تهران.....	۱۹۴
شرکت در گشایش دبیرستان زنجان.....	۱۹۴
تغییر کار و کاریر آقای فهیمی.....	۱۹۷
ادب‌پروری فهیمی.....	۱۹۸
ابتکار در فرهنگ.....	۱۹۸
اعتبار مالی.....	۱۹۹
آقای حسن ذوقی.....	۲۰۰
پیش‌آهنگی.....	۲۰۶
جناب دکتر عیسی صدیق وزیر فرهنگ.....	۲۰۷

۲۰۹	تاریخ
۲۱۱	آقای ملک‌زاده
۲۱۲	آقای اسماعیل امیرخیزی
۲۱۴	احصائیه و تقدیر
۲۱۴	اداره فرهنگ آذربایجان
۲۱۵	جشن فرهنگ
۲۲۰	جای شکر باقی است
۲۲۰	محکمه اداری
۲۲۳	اهدا به عطا
۲۲۵	ملحقات
۲۲۵	شهید شیخ محمد خیابانی
۲۲۸	آزادی و استقلال
۲۲۸	تجدد و ترقی
۲۲۸	فلسفه اجتماعی
۲۲۹	شرایط موفقیت
۲۳۰	اخلاق
۲۳۱	ماده تاریخ
۲۳۱	تبریز مطاف ارباب حکمت و تمیز
۲۳۸	خاتمه

- ششقه..... ۲۴۱
- آنچه از آثار قلمی مورخ چاپ شده است..... ۲۴۲
- آذربایجان..... ۲۴۳
- تصاویر..... ۲۴۵
- نمایه..... ۲۴۹

یادداشت دبیر مجموعه

آذربایجان در طول تاریخ ایران همواره یکی از کانونهای فرهنگ، ادب و هویت ایرانی بوده و در دوره معاصر نیز جایگاه رفیعی یافته است. یکی از ویژگی‌های دوره مشروطه، توجه و اهتمام به امر تعلیم تربیت و امور فرهنگی در ایران و به‌ویژه آذربایجان می‌باشد. در بین چهره‌های فعال فرهنگی دوره بعد از مشروطه مرحوم محمدعلی صفوت (ولادت ۱۲۶۰ و فوت ۱۳۳۵) جایگاه مهم و مؤثری دارد. این شخصیت فرهنگی یکی از نویسندگان و شعرای برجسته معاصر است که آثار متعددی از وی بر جای مانده و زندگی‌نامه وی نیز در برخی از مراجع درج شده است. شرح حال نسبتاً مفصل وی را غلامرضا طباطبایی مجد در مقدمه «داستان دوستان»^۱ از آثار صفوت نگاشته است و همو بدون ذکر منابع شرح حال صفوت را در «نام‌آوران آذربایجان در سده ۱۴» آورده است.^۲ محمد دیهیم هم در شرح حال او متذکر شده است که در اوایل زندگی خود یکی از وعاظ مبرز و درجه یک تبریز بوده و بعدها تغییر لباس داده در وزارت فرهنگ استخدام شده است.^۳ علی‌رغم این، به نظر می‌رسد در تجلیل از خدمات فرهنگی و علمی وی بایستی مقالاتی نوشت و حتی مراسم بزرگداشتی تدارک دید و ابعاد مختلف خدمات مخلصانه وی به تاریخ و فرهنگ ایران را روشن نمود.

از سه منظر می‌توان زندگی‌نامه محمدعلی صفوت را بررسی نمود: نخست به عنوان شاعر و نویسنده زبردست، دوم در مقام یک شخصیت مبارز و فعال در عرصه سیاسی

^۱ محمدعلی صفوت، داستان دوستان، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز نشر ابو، ۱۳۷۶، صص ۱۲-۱.

^۲ غلامرضا طباطبایی مجد، نام‌آوران آذربایجان در سده ۱۴، تهران، انجمن مفاخر فرهنگی، ۱۳۹۰، صص ۴۵۷-۴۵۳.

^۳ محمد دیهیم، تذکره شعرای آذربایجان، ج ۳، مؤلف، ۱۳۶۸، ص ۴۹۱.

اجتماعی آذربایجان و سوم به جایگاه یک خادم فرهنگی پرتلاش و پرملال. از منظر نخست وی در زمان خویش از ادبای برجسته آذربایجان بشمار می‌آید. اشعار زیادی به فارسی و ترکی آذری سروده و در جای جای آثار خود از آنها بهره برده است. او هرچند گزیده دیوانش را در سالهای پایانی ایام حیاتش در قم منتشر کرده است اما تدوین و انتشار کلیات اشعار و آثار وی ضروری به نظر می‌رسد. وی در فنون مختلف ادبی به‌ویژه ماده تاریخ‌سرایی دستی توانا داشته و ماده تاریخ‌هایی در حوادث سیاسی و فرهنگی از وی باقی مانده است: از جمله تاریخ وفات میرزا حسن رشیدیه،^۱ تاریخ شهادت شیخ محمد خیابانی،^۲ تاریخ درگذشت امیرنظام گروسی،^۳ تاریخ درگذشت صراف تبریزی.^۴ همچنین وی در تاریخ اتمام بنای برخی از مدارس در آذربایجان ماده تاریخ‌هایی سروده^۵ و جالب آنکه اغلب این مدارس با نظارت وی احداث شده است.

صفوت از اعضای فعال انجمن ادبی آذربایجان به حساب می‌آمد که توسط سمیعی استاندار وقت در سال ۱۳۱۲ شمسی در تبریز تشکیل شده بود.^۶ در این انجمن ادبی بزرگانی چون رعدی آذرخشی، اسماعیل امیرخیزی، حاج میرزا باقر حکمت، برادران نخجوانی، دکتر علی‌اکبر مجتهدی، جلال‌الدین همایی اصفهانی و مشکات وقایعی^۷ عضویت داشتند.^۸

۱. حسین نخجوانی، موادالتواریخ، تهران، ادبیه، ۱۳۴۰، ص ۲۳۹.

۲. همان، ص ۲۴۶.

۳. نخجوانی، پیشین، ص ۳۲۶.

۴. همان، ص ۴۱۵.

۵. همان ص ۶۰۶-۶۰۷.

۶. طباطبایی مجید، پیشین، ص ۴۵۵.

۷. در مورد مرحوم مشکات تبریزی رک به: مدایح و مراثی مشکات تبریزی تحقیق و تصحیح، رحیم نیکبخت و امیر

نیکبخت، تبریز، ایرانشناخت، ۱۳۹۳

۸. مهدی مجتهدی، رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، تهران، مؤلف، ۱۳۲۷، ص ۸۰.

از صفوت آثار متعددی باقی مانده است که برخی از آنها از جمله «میزان‌الانسان» در دوره رضا شاه به عنوان کتاب درسی در مدارس آذربایجان تدریس می‌شد. همچنین تعدادی از تألیفاتش در ایام حیات وی منتشر گردیده است. با این حال برخی از آثار وی هنوز از جمله خریطة الفصوص^۱ منتشر نشده‌اند که به نظر می‌رسد بایستی برای انتشار و تجدید چاپ تمامی آثار این اندیشمند فرهیخته اهتمام و اقدام شود. آنچه از آثار قلمی وی تا سال ۱۳۲۹ شمسی چاپ شده خود متذکر شده عبارت‌اند از: «ماء معین، یادگار قم، نعم‌الرفیق، گل و بلبل، کلمات علیّه، گوهر دانش، دانش و پرورش، چهارده معصوم، تربیت در اسلام، تاریخ فرهنگ آذربایجان، هزار و یک سخنور، داستان دوستان، منابع‌الحکم، میزان‌الانسان، دسته‌گل، تاریخچه محمدبن زکریای رازی». پرواضح است مؤلف تا سال ۱۳۳۵ آثار دیگری را منتشر نموده است که در بررسی‌های بعدی به آن خواهیم پرداخت.^۲

از منظر دوم مرحوم محمدعلی صفوت از مبارزان و فعالان نهضت مشروطه در آذربایجان بود. او در روز بمباران مجلس شورای ملی (۲ تیر ۱۲۸۷) توسط لیاخوف روسی جنازه شهید میرزا ابراهیم آقا خواهرزاده میرزا حسن آقا مجتهد را از دست قزاقان گرفته و نسبت به کفن و دفن وی در گورستان سر قبر آقا اقدام نمود.^۳ مهم آنکه وی از نزدیکان و همراهان شیخ محمد خیابانی بود و بعد از شهادت شیخ محمد منزل صفوت هم به تاراج رفت. وی علی‌رغم این حادثه باقی‌مانده اعضای حزب دموکرات را دور هم جمع کرد و از بد حادثه در شورش لاهوتی در تبریز مجدداً

^۱. خوشبختانه از این کتاب ارزشمند که صفوت تألیف آن را از سال ۱۳۳۰ قمری مقارن با حوادث تلخ محرم آن سال و شهادت نقه‌الاسلام و دیگر وطن‌پرستان آذربایجان آغاز کرده است، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نسخه‌ای موجود است.

^۲. برخی از آثار منتشر شده صفوت در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران موجود است.

^۳. طباطبایی مجد، پیشین، ص ۴۵۵.

خانه‌اش تاراج شد.^۱ در مرتبه سوم بعد از سقوط فرقه دموکرات همین اتفاق روی داد. محمدعلی صفوت از آنجایی که یک ایران‌خواه و وطن‌دوست واقعی و معتقدی بود در قضایای سلطه فرقه دموکرات، آذربایجان را ترک نکرد و به مبارزه خود علیه بیگانه‌گرایان در مشاغل خود پرداخت که تاوان آن شهادت یگانه فرزندش به دست ایادی وابسته به بیگانگان فرقه دموکرات بود.^۲

مهم‌ترین فعالیت صفوت بنیان‌گذاری پایه‌های فرهنگ آذربایجان بوده‌است که متأسفانه کمتر به آن پرداخته شده است. وی از جمله خادمان عاشق‌پیشه تعلیم و تربیت بود که از هیچ کوشش و فعالیتی در راه فرهنگ این مرز و بوم دریغ نکرد. وی وقتی پشت میز ریاست می‌نشست به شدت مقرراتی و سختگیرانه رفتار می‌کرد ولی در مجالس و محافل دوستانه فوق‌العاده خوش‌مشرّب، بذله‌گو و شیرین‌صحبّت بود و شاید راز و رمز تداوم حضور وی - علی‌رغم تمام سختی‌ها - در عرصه مدیریت فرهنگی نخست عشق و علاقه مفرط وی به تعلیم و تربیت ابناء وطن و دوم وظیفه‌شناسی و پایبندی به مقررات بود. کتاب تاریخ فرهنگ آذربایجان گواه روشنی بر این ادعا تواند بود.

وی در سالهای قبل از مشروطه، در هیئت «مؤسس نظارت و وکالت» مدرسه حیات تبریز که به همت میرزا حسین رشیدیه تأسیس شده بود، حضور داشت.^۳ مرحوم حسین امید در کتاب ارزشمند «تاریخ فرهنگ آذربایجان» در سال ۱۳۳۲ که صفوت در قید حیات بود، چنین یاد کرده است: «آقای محمدعلی صفوت از آزادی‌خواهان و

۱. رک به: نامه‌های مشروطیت و مهاجرت (از رجال سیاسی و بزرگان محلی به سید حسن تقی‌زاده) به کوشش ایرج افشار، تهران، قطره، ۱۳۸۵، صص ۴۸۱-۴۷۶.

۲. بحران آذربایجان سالهای (۱۳۲۵-۱۳۲۴) خاطرات آیت‌الله میرزا عبدالله مجتهدی، به کوشش رسول جعفریان، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ دوم، ۱۳۸۷، صص ۲۶۸-۲۶۵.

۳. حسین امید، تاریخ فرهنگ آذربایجان، ج ۱، تبریز، چاپخانه فرهنگ، ۱۳۳۲، ص ۳۱۳.

معارف پروران قدیمی تبریز در زمان ریاست دکتر اعلم‌الملک به عنوان هیئت شورای معارف در امور معارفی ذی‌دخل بودند و بعداً رسماً استخدام شدند. در اواخر سال ۱۳۰۴ به کفالت اداره معارف آذربایجان منصوب گردیدند، سپس در زمان ریاست مرحوم دکتر محسنی رئیس معارف اردبیل گشتند، بعد به ریاست دارالمعلمین آذربایجان تعیین و انجام وظیفه می‌فرمودند. درموقع مسافرت رؤسای فرهنگ، کفالت را عهده‌دار می‌شدند. در امور فرهنگی بصیر و بیشتر طرف شور رؤسای فرهنگ بودند و در قسمت اوقاف نیز اطلاعات کاملی دارند. زمانی سمت ریاست تحقیق اوقاف را داشتند، از سال ۱۳۲۵ به این طرف بازنشسته در قم اقامت دارند. آقای صفوت علاوه از خدمات مقرر در ساختمانهای مدارس مساعدت و اهتمام داشته کتب مفیدی نیز تألیف کرده‌اند.^۱ همچنین صفوت در سال ۱۳۱۲ از اعضای شورای فرهنگ آذربایجان بود^۲ و در سال ۱۳۱۵ مدیریت شعبه تعلیمات اکابر را برعهده داشته است.^۳

و اما تاریخ فرهنگ آذربایجان

از جمله تألیفات ارزشمند مرحوم محمدعلی صفوت کتاب «تاریخ فرهنگ آذربایجان» است. این کتاب از جنبه‌های گوناگون دارای اهمیت است: نخست اینکه آن را بایستی کارنامه فعالیت‌های خود مؤلف در عرصه ایجاد پایه‌های فرهنگ آذربایجان به حساب آورد. در حقیقت این کتاب شرح پرمال و تلاش وی در این عرصه است که با بیان و قلمی شیوا به نگارش آمده است. از سوی دیگر این کتاب بخشی از تاریخ فرهنگی

^۱. همان، ص ۱۸۰

^۲. همان، ص ۲۱۷

^۳. همان، ص ۲۲۷

معاصر آذربایجان در پنجاه ساله از مشروطه تا تحولات شهرویر ۱۳۲۰ است. ضمن اینکه در این اثر نام و یاد تعدادی از چهره‌های گمنام تاریخ و فرهنگ آذربایجان گرامی داشته شده است. به علاوه اطلاعات ارزشمندی از بزرگان فرهنگی و ادبی و علمی همچون مرحوم میرزا حسن رشیدی، ادیب خلوت آشتیانی^۱ و فکری آشتیانی، فیوضات، حاج محمد نخجوانی، جلیلی حاج ارفع‌الملک، میرزا علی اکبر مجتهد اردبیلی... می‌توان یافت.

در این کتاب اطلاعات جالب تاریخی از جمله تعدیات و دسیسه‌های توسعه طلبانه قشون ترک عثمانی و روسیه تزاری در آذربایجان هم وجود دارد که می‌تواند مورد استفاده تاریخ‌پژوهان قرار گیرد.

از سوی دیگر این مجموعه را می‌توان یک جُنگ ادبی هم به حساب آورد، زیرا مؤلف خود شاعر بوده و در قسمت‌های مختلف به فراخور حال و مقال از اشعار و مطالب ادبی خود و دیگران درج نموده است. همچنین آیات و روایات به‌ویژه جملات قصار مولی علی (ع) به فراوانی مورد استفاده قرار گرفته است.

اهمیت دیگر این کتاب تبیینِ فعالیت‌های فرهنگی دوره معاصر در آذربایجان می‌باشد. این متن به خوبی نشان می‌دهد روشنفکران و نخبگان عصر مشروطه آذربایجان بیش از دیگران در ترویج زبان فارسی به عنوان زبان ملی کوشیده و در این راه تلاش نموده‌اند. در دوره‌ای که یهودیان دونمه عثمانی برای انحراف اذهان عمومی از متلاشی کردن عثمانی، زبان پرستی و دعوای ساختگی ترک و عرب و فارس به راه انداخته بودند

^۱. مرحوم ادیب خلوت آشتیانی از ادبای بزرگ آذربایجان که متأسفانه اطلاعات زیادی از وی در دسترس نیست. از نوشته‌های مرحوم صفوت روشن می‌شود مقام علمی ارجمندی داشته است. ان شاء الله اطلاعات و اشعار مرثیه و غیر آن که از این شاعر ادیب گمنام به دست آمده به زودی در قالب کتابی منتشر خواهد شد.

رجال ایران دوست آذری بزرگانی همچون شهید شیخ محمد خیابانی به پاسخگویی این ادعاهای انحرافی برخاستند که در نتیجه این مبارزه دستگیر و از تبریز تبعید شد. در دوره رضا شاه که ستیز با هویت اصیل ایرانی با عنوان تجدد و نوگرایی غربی به راه افتاد سیاست‌های دستوری نه تنها نتیجه‌ای در بر نداشت بلکه با ناکامی مواجه شد. این کتاب از این منظر اهمیت دارد زیرا یکی از محورهای مهم بهانه‌گیری قوم‌گرایان افراطی امروزی سیاست‌های زبانی دوره پهلوی آن هم فقط در آذربایجان است که آن را به عنوان بهانه کهنه نشدنی به کرات و مرات طرح و بحث می‌کنند. این جریان معاند ایران اسلامی برای مشروعیت‌دادن به خواسته‌های قوم‌گرایانه خود چنین وانمود می‌کنند که حکومت پهلوی و کارگزارانش فقط با زبان ترکی در آذربایجان مخالف بودند، لذا برای ترویج زبان فارسی می‌کوشیدند، حال آنکه در همین دوره در خود تبریز کتاب‌های متعددی به زبان ترکی آذربایجانی منتشر شده است و برخی از این آثار از جمله کتابهای ترکی «میر مهدی اعتماد» که در انتقاد از والی آذربایجان هم سروده شده بود تا بیش از بیست نوبت در همان دوره رضا شاه تجدید چاپ شده است. اگر در مقاطعی کوتاه افرادی در جایگاه رئیس اداره فرهنگ مجری سیاست‌های دستوری، اقداماتی نابخردانه انجام داده‌اند، این اقدامات از یک سو مقطعی بوده و از سوی دیگر درست نتیجه عکس داده و به همین علت ادامه نیافته است. داده‌های این کتاب که مؤلف آن از نزدیک با مسائل فرهنگی آذربایجان درگیر بوده است، روشن می‌کند که بزرگ‌نمایی و اغراق شدیدی درباره اقدامات کوتاه‌مدت برخی از رؤسای فرهنگ آذربایجان همچون دکتر محسنی (۱۳۱۲-۱۳۰۵) صورت گرفته است و این اظهارات بیش از اینکه جنبه انتقاد فرهنگی دلسوزانه برای فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی آذربایجان داشته باشد بهانه‌جویی

برای توجیه وابستگی جریان دیگری به بیگانگان است. جالب آن است که بدانیم بیشترین سهم مدرسه‌سازی در آذربایجان مربوط به دوره ریاست دکتر محسنی در اداره فرهنگ آذربایجان بوده است. این گروه‌های قوم‌گرا هیچ انتقادی از سیاست‌های ضد مذهبی و ضد ملی حکومت پهلوی همچون کشف حجاب، سرکوب عشایر و قتل عام مسجد گوهرشاد... ندارند. نارضایتی مردم ایران از دیکتاتوری خودکامه رضاخانی ریشه در ماهیت وابسته وی به بیگانگان و ستیزه آن با فرهنگ، اسلام و هویت اصیل ایرانی داشت. و در این دوره وضعیت سایر نواحی ایران بهتر از آذربایجان نبوده است.

در این متن به خوبی دیده می‌شود مسئولین حکومت پهلوی خود را از نصایح نخبگان و فرهیختگان بی‌نیاز می‌پنداشته‌اند که مشخصه نظام‌های سیاسی خودکامه و دیکتاتوری بوده است.

مؤلف از جریان کشف حجاب در آذربایجان انتقاد می‌کند و حتی قبل از اجرایی‌شدن آن پیشنهاداتی برای ساماندهی معقول در مورد لباس زنان به‌ویژه معلمان مطرح می‌نماید که جدی گرفته نمی‌شود و به تعبیر مؤلف افراط و تندروی‌های بولهوسانه آغاز می‌شود.^۱ از سوی دیگر او تمدن غربی را که موجب نابودی فرهنگ و هویت اصیل ایرانی است، مورد انتقاد قرار می‌دهد و می‌نویسد:

«مختصر باید چنین نتیجه گرفت که آثار تمدن عصری صد بار در تولید فقر و فلاکت و دهشت و تخریب و ایراد کین و کید و حسد و نفاق و پستی اخلاق، از اثر زلزله‌ای به آن شدت افزون‌تر می‌باشد.

تمدن آتشی افروخت در جهان که بسوخت

^۱ همین کتاب، ص ۱۷۸.

ز عهد و مهر وفا هرچه یادگاری بود.^۱

مؤلف در پایان کتاب از کم توجهی به فرهنگیان دل پر دردی دارد و دردمندانه می‌نویسد: «که به عرض اولیاء وزارت متبوع می‌رساند که ۴۱ سال از شروع به کار نگارنده می‌گذرد و طی این مدت طولانی عرض نیازی نکرده و در پی رتبه و مقام نگشته و یا جوایز عطیه و انعامی نبوده. برای صدق مدعا این بس که هنوز به رتبه ۹ رسمی اداری نائل نشده و اکنون هیچ‌گونه تقاضای عنایت را موردی نمانده است. لیکن به خود حق می‌دهد که در آخرین روزهای حیات این تمنی را پنهان و دریغ ندارد که وزارت فرهنگ نه خود را همپا و هم‌رنگ دیگر وزارتخانه‌ها پندارد و نه با فرهنگیان از پیر و جوان بیگانگی و بی‌مهری روا دارد؛ زیرا فرهنگیان بیشتر با روان سروکار دارند و یا باید داشته باشند:

رسیده کار بدانجاکه بوستان بان را

سرِ هوای گل و روی باغبانی نیست.»^۲

عدم دسترسی دانشجویان و محققان به این کتاب به‌عنوان منبعی دست اول برای مطالعات بخشی مهم از تاریخ معاصر و تاریخ فرهنگی آذربایجان موجب شد تا نسبت به باز نشر آن اقدام شود و برای قابل استفاده‌تر شدن آن، نمایه کتاب هم استخراج و افزوده گردید و تصاویر داخل متن هم به انتهای کتاب انتقال یافته است. آیات و روایات داخل متن تا جایی که امکان داشته مستندسازی شده است.

وظیفه خود می‌دانم از سرکار خانم منیره میانجیان که تایپ این مجموعه را به نحوه احسن انجام دادند، دوست دانشورم آقای نادر خبازی دولت‌آباد که این مقدمه را از نظر

^۱. همین کتاب، ص ۲۳۸

^۲. همین کتاب، ص ۲۴۰

گذرانده و ایرادات آن را مرتفع نمودند، آقای مهدی داودی که اعلام کتاب را استخراج نمودند و همچنین مدیر محترم انتشارات منشورسمیر جناب آقای محمد مهدی شعبانی و دوست دانشورم دکتر یوسف بیگ باباپور مراتب قدردانی خود را ابراز نمایم.

رحیم نیکبخت

عضوهیئت علمی دانشگاه تبریز

تهران فرودین ۱۳۹۲

منابع

- امید، حسین، تاریخ فرهنگ آذربایجان، ج ۱، تبریز، چاپخانه فرهنگ، ۱۳۳۲.
- بحران آذربایجان سالهای (۱۳۲۵-۱۳۲۴) خاطرات آیت‌الله میرزا عبدالله مجتهدی، به کوشش رسول جعفریان، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
- دیهم، محمد، تذکره شعرای آذربایجان، ج ۳، مؤلف، ۱۳۶۸.
- صفوت، محمدعلی، داستان دوستان، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز نشر ابو، ۱۳۷۶.
- طباطبایی مجد، غلامرضا، نام‌آوران آذربایجان در سده ۱۴، تهران، انجمن مفاخر فرهنگی، ۱۳۹۰.
- مجتهدی، مهدی، رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، تهران، مؤلف، ۱۳۲۷.
- مدایح و مراثی مشکوه تبریزی تحقیق و تصحیح، رحیم نیکبخت و امیر نیکبخت، تبریز، ایرانشناخت، ۱۳۹۳.
- نامه‌های مشروطیت و مهاجرت (از رجال سیاسی و بزرگان محلی به سید حسن تقی‌زاده) به کوشش ایرج افشار، تهران، قطره، ۱۳۸۵.
- نخجوانی، حسین، موادالتواریخ، تهران، ادبیه، ۱۳۴۰.